

آسیب‌هایی که به جان عزاداری‌ها می‌افتند

این‌روزها در ایام ماه محرم، عزاداری‌های شبانه و خیابانی برگزار می‌شوند که بعضی از آن‌ها دچار برخی آسیب‌ها از جمله خرافه‌گری شده‌اند که دلیل آن‌ها را می‌توان دوری از مساجد عنوان کرد.



این‌روزها در ایام ماه محرم، عزاداری‌های شبانه و خیابانی برگزار می‌شوند؛ بعضی از آن‌ها دچار برخی آسیب‌ها از جمله خرافه‌گری شده‌اند؛ بعضی از آن‌ها را می‌توان دوری از مساجد عنوان کرد.

خبرگزاری مهر، بهنام عبداللّهی: جز تاریکی، ویژگی دیگری از شب پیدا نیست؛ نه سکوت، نه خلوت، نه آرامش و نه ... ، به‌زودی؛ زود از ازدحام جمعیت رد می‌شوم. جمعیت یعنی زنان میان‌سال؛ سالی که وسط عابرپیاده ایستاده‌اند، یک چشم‌زنی؛ شان به خیابان است و چشم دیگرشان به هم‌زنی؛ دیگر. حتی از دور می‌توان دید که چگونه صدایشان به سختی به هم می‌زنند؛ رسید ولی باز ادامه می‌دهند.

جمعیت یعنی دختران و پسران جوان، مردان و زنان پیر، کودکان، خانواده‌ها و واقعا جمعیت زیادی در کوچه و خیابان هستند. عده‌ها ایستاده‌اند و به نوحه‌ها؛ هایی که هم‌زنی؛ سو با باد میان مردم می‌چرخد گوش می‌دهند و اشک می‌ریزند، عده‌ها؛ دیگری در همان حوالی درحال حرکت اند. کودکان گریه می‌کنند، کودکان می‌خندند. کودکانی را می‌زنند؛ شود در آغوش مادران دید که با هر ضرب طبل بیدار می‌شوند. کودکانی را می‌زنند؛ توان دید که قید خواب را زده‌اند.

صحنه‌هایی که می‌بینم، بسته گریخته هستند؛ درست مثل خوابی که آدم می‌زند؛ تواند ساعت ۲ نیمه‌شب ببیند. از دسته عزاداری که می‌گذرد به خلوت‌گاه خیابان می‌زنند؛ رسم؛ آن‌ها؛ جا که هنوز شب است اما زود، خیلی زود می‌زنند؛ رسم به میدانی که چندین دسته به هم‌زنی؛ رسیده‌اند. به یک جمع مکسر می‌زنند؛ رسم. ۱۰۰ نفری چوب به دست گرفته‌اند. ۱۰۰ نفر دیگری سینه می‌زنند... عده زیادی اما آن وسط هستند که جزو این‌ها نیستند. ۲۰ پسر را می‌بینم که بین‌شان هم کودک ۵ساله هست و هم جوان ۳۰ساله. هرکدام به اندازه سن‌شان زیر دست‌شان طبلی دارند که با ریتم خاصی می‌کوبند.

تماشاگران از آنچه که می‌بینند و می‌شنوند راضی بنظر نمی‌رسند. طبل‌زنندگان از کاری که انجام می‌دهند خوشحال هستند و نوحه‌خوانان می‌تواند با شور بیش‌تری از غم و مصیبت بگویند. از این طرف خیابان به آن طرف که می‌خواهم بگذرم، ماشین‌هایی را می‌بینم که ایستاده‌اند. رانندگان قیافه عجیبی به خود گرفته‌اند و شاکتی تر از لحظاتی به نظر می‌رسند که در دام ترافیک می‌افتند.

چهار پسر جوانی که حسابی خوشتیپ بنظر می‌رسند با عجله از کنار من می‌گذرند که حاصل گذرشان افتادن کیفم بر زمین می‌شود. خم می‌شوم تا کیف را از روی زمین بردارم. آنقدر مردم رد می‌شوند که نزدیک به ۲دقیقه خم‌شده می‌مانم. یاد مادری می‌افتم که پسرش در آمبولانس باشد و آمبولانس در ترافیک.

پسر بچه‌ای را می‌بینم که یک گوشی در دستش گرفته و از سینه‌زنی دسته‌ها؛ فیلم‌برداری می‌کند. نزدیک‌اش می‌شوم؛

-سلام اسمت چیه؟

-علی

- با کی اومدی؟

- بابام

- خوابت نمیداد علی؟

- بابا آوردتم که ازشون فیلم بگیرم.

قیافه مشتاق پدر علی، حرفش را تایید می‌کند. اما در مقابل قیافه ناراضی تعدادی از پدران و مادران نیز حاکی از آن است بچه‌ها عامل حضور در عزاداری شبانه خیابانی بوده‌اند.

همان حوالی چند مرد میان‌سال را می‌بینم که طوق را در بین مردم می‌گردانند، طوق‌هایی که جزء خرافه هستند و در منشور ساماندهی هیئات مذهبی آمده است، نوحه‌خوانی نیز کنار طوق می‌رود و از مردم می‌خواهد اگر شفای دردشان را می‌خواهند پولی به این طوق ببندند. زنان سر بستن پول به طوق چه سر و دستی که نمی‌شکنند. این طرف و آن طرف طوق تصاویری نصب شده که می‌گویند تمثال امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) است که باز خرافه‌ای دیگر در حال ادامه حیات است.

هرچند گوش‌هایم از صداهای کوبیدن و صداهای زمخت پر شده است اما هنوز می‌شنوم صداهایی پاره‌پاره از شعرها و مدح‌هایی که برای عزاداران خوانده می‌شود؛ قدم قدم...؛ و امام خوشگل من...؛ و همراه این شعرها ریتم‌هایی هستند که ممکن است همین روزها در یکی از آهنگ‌های پاپ شنیده باشم. یاد حرفهای گهر بار رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌افتم که فرمودند؛ «...من به عزاداران این است که موجبات ناراحتی مردم را فراهم نکنند، بعضی‌ها سینه زنی می‌کنند پشت بلندگو اگر بناست از بلندگو پخش شود باید در بین مستمعین پخش بشود، در خیابان پشت بام و محله که مستمع‌ی ندارد، بیرون مجاس، ساعت‌های دیر وقت شب، مردم را اذیت کردن، یک بیمار را از خواب انداختن، این با هیچ منطق اسلامی و حسینی تطبیق نمی‌کند»؛ و یا یاد جلسه اتمام حجتی می‌افتم که در آن امام جمعه شهر و مدیرکل تبلیغات اسلامی در جمع مسئولان هیئات عزاداری، بر نزدیک‌تر بودن آسیب‌های عزاداری‌های حسینی از رگ گردن خبر داده بودند.

بخاطر عزاداری ما نباید خیابان‌ها مسدود شود و حداقل اگر در خیابان عزاداری می‌کنیم، باید همکاری‌های لازم را با مأموران راهنمایی و رانندگی داشته باشیم. مدح‌ها؛ و تمجیدهای بی‌معنا، آهنگ‌های مبتذل، به‌کارگیری شیوه‌های غلط برای گرم‌کردن مجلس، کینه‌ورزی و اختلافات مذهبی از جمله آسیب‌های عزاداری‌هاست. دشمنان می‌خواهند به عزاداری‌های ما آسیب وارد کنند و ما باید بیش از پیش مراقب باشیم. این جملات حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر آل‌هاشم مدام از جلوی چشم عبور می‌کنند و با چشم خودم می‌بینم که به جایی نمی‌رسند. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان هم خواسته بود عزاداری‌های امسال قرآن‌محور و مسجدمحور باشند دوباره صدای طبل‌ها بلند می‌شود و دیگر نمی‌گذارد به این صحبت‌ها فکر کنم.

دکه‌ای درست شده و در آن برای عزاداران چایی پخش می‌کنند. این را وقتی فهمیدم که رد صدها لیوان در زمین ولو شده را گرفتم و به دکه رسیدم. به فردا ۵ صبح فکر می‌کنم که رفتگران چقدر باید کار کنند.

پیرزنی را می‌بینم که دقایقی پیش مقابل بساط طوق‌گردانی دیده بودمش که داشت میان ازدحام جمعیت غرق می‌شد. حالا گوشه‌ای ایستاده و اشک می‌ریزد. نزدیک‌اش می‌روم. نمی‌دانم چرا یک‌دفعه شبیه پسرش می‌شوم.

-سلام مادر جان. تونستی پولت رو به طوق ببندی؟

-آره مادر

-پس چرا ناراحتی؟

-دستم درست و حسابی بهش نرسید. انگار قسمت نبود. دادم به یه مرد پولم رو اون بست.

ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه است. به گوشی‌ام نگاه می‌کنم که بارها زنگ خورده و ندیده‌ام. به سرعت سمت خانه روانه می‌شوم. اما مگر سرعت دست خودم است؟ دوباره سعی می‌کنم از لابه‌لای مردان و زنان بسیاری که چهره شب را از او گرفته‌اند عبور کنم. می‌رسم به مسجدی که درست همسایه خانه‌ام است. در مسجد بسته است. هیچ‌کسی آن حوالی نمی‌چرخد. سوت و کور نیست چون چندصد متر آن‌طرف‌تر دسته‌جات گرد هم جمع شده‌اند و صدای طبل و سنج...شان از اینجا هم به گوش می‌رسد. مسجد چهره دلشکسته‌ای به خود گرفته. باد پرچم‌های سیاه را تکان می‌دهد. مسجد چقدر دلش می‌خواهد در عزاداری امام حسین شرکت کند. کاش دسته‌ها کمی نزدیک‌تر می‌آمدند.